

## بی‌نظمی زمانی در منظومه خسرو و شیرین نظامی

تقی پورنامداریان\*

هیوا حسن‌پور\*\*

### چکیده

منظومه خسرو و شیرین نظامی، پس از مخزن‌الاسرار سروده شده و در واقع دومین منظومه نظامی است. این منظومه، یکی از منظومه‌های فاخر ادب فارسی است که بعد از نظامی، شاعران زیادی به نظیره‌گویی و استقبال آن روی آوردند. بررسی عنصر زمان روایی در این اثر و نشان دادن چگونگی بهره‌نظامی از آن در خلق داستان، می‌تواند روشنگر مباحث زیادی باشد و تفاوت او را در چگونگی روایت داستان با شاعران پس از او روشن و مبرهن سازد. در این پژوهش، به بررسی یکی از شاخصه‌های زمان روایی، یعنی زمان‌پریشی در خسرو و شیرین نظامی پرداخته شده است. بر اساس داده‌های این پژوهش، آشکار می‌شود که نظامی، با انواع زمان‌پریشی (گذشته‌نگر و آینده‌نگر) نظام خطی روایت را شکسته و هر تمهید زمانی برای او در حکم مقدمه‌ای است برای کش‌دارتر کردن روایت. بسامد گذشته‌نگرهای مکرر بسیار زیاد است و همین یکی از دلایل اطناب این منظومه است و اغراضی مانند: تأکید بر کنش انجام پذیرفته، تعلیل وقایع داستان، هنرنمایی نظامی در بیان چندباره موضوع و... را در بر می‌گیرند. بسامد زیاد گذشته‌نگرها نسبت به آینده‌نگرها نیز تعلیق خواننده در داستان را رقم می‌زنند.

**کلیدواژه‌ها:** نظامی، خسرو و شیرین، روایت، زمان، ژنت.

\* استاد گروه زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، namdarian@ihcs.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)

hiva.hasanpoor@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۱۵

## ۱. مقدمه

روایت‌شناسان متأخر، «متونی را که دارای قصه و قصه‌گو هستند یک متن روایی می‌دانند... بعدها تودوروف (Tzvetan Todorov)، در تعریف روایت علاوه بر رخدادهای قصه، به ویژگی بازنموده بودن آن در محدوده زمانی نیز اشاره کرد. از نظر او متون روایی هم به چیزی ارجاع می‌کنند و هم این ارجاع دارای بازنموده (Represented) زمانی است... مایکل تولان (Michal J. toolan) روایت را توالی ملموسی از حوادثی که به صورت غیر تصادفی در کنار هم آمده‌اند، می‌داند... تودوروف نیز معتقد است که تغییر از وضعیتی به وضعیت دیگر از اصلی‌ترین ویژگی‌های روایت است و هر نوع تعریف درباره روایت با توجه به این ویژگی باید صورت پذیرد» (اخوت، ۱۳۷۱: ۸-۱۱).

یکی از وجوه بررسی‌های روایی، بررسی و تحلیل عنصر زمان در آثار روایی است. تولان عقیده دارد که «عنصر زمان در متن، مفهومی ساختاردهنده است. چرا که رابط میان موقعیت‌های خاص یا تغییرات یک حالت را نشان می‌دهد» (تولان، ۱۳۸۳: ۵۴). ژرار ژنت، یکی از نظریه‌پردازان برجسته در این زمینه است. بحث اصلی مؤلفه زمان بر اساس آراء ژنت، به ارتباط میان زمان گاهشمارانه در سطح داستان و زمان سطح متن مربوط است. زمان داستان، رابطه گاهشمارانه میان حوادث داستان است به گونه‌ای که در اصل رخ داده و زمان متن به چگونگی جایگزین کردن این حوادث در متن ارتباط دارد (حرّی، ۱۳۸۷: ۹۷).

ژنت، ابتدا زمان روایی را به سه مقوله کلی (نظم، تداوم و بسامد) تقسیم می‌کند و سپس برای هر یک، ویژگی‌ها و خصوصیتی که باعث تفکیک و جداسازی آن‌ها می‌شود، در نظر می‌گیرد. در این پژوهش ما فقط با بخش اول نظریه ژنت سروکار داریم و بی‌نظمی زمانی، انواع و دلیل یا دلایل آن را در منظومه خسرو و شیرین بررسی و سپس هر یک از آن‌ها را برای درک هرچه بهتر، در قالب نمودار ترسیم می‌کنیم. بررسی بی‌نظمی زمانی در خسرو و شیرین، علاوه بر مشخص کردن تمهیدات نظامی برای خروج از نظام خطی زمان، ساختار زمان روایی روایت‌های کلاسیک را نیز تا حدودی برای ما روشن می‌سازد. چون نظامی یکی از برجسته‌ترین و سرآمدترین داستان‌سرایان ادب فارسی است و دیگر داستان‌سرایان بعد از او، سعی می‌کردند ساختار روایت‌های خود را با توجه به شیوه‌های داستان‌سرایی او پی‌ریزی کنند. استقبال و پیروی امیرخسرو دهلوی در آثار خود از نظامی، گواه این مدعا است.

## ۲. پیشینه پژوهش

علی‌رغم سابقه اندک پژوهش‌های روایت‌شناختی در ایران، امروزه حجم عمده‌ای از تحقیقات و پژوهش‌های ادبی، به بررسی‌های روایی اختصاص یافته است که از این میان می‌توان به پژوهش‌های موفق‌تری اشاره کرد که راه را برای دیگر پژوهش‌ها روشن و باز کردند. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به کتاب‌های: *روایت‌شناسی داستان‌های مثنوی* از سمیرا بامشکی، *بوطیقای روایت در مثنوی* از حمیدرضا توکلی، *روایت داستانی: بوطیقای معاصر* از ریمون کنان ترجمه ابوالفضل حرّی و همچنین مقالات زیادی که در این زمینه نوشته شده‌اند، مانند: *درآمدی بر رویکرد روایت‌شناختی به داستان روایی ... از حرّی* که بخشی از مقاله به زمان و کارکرد آن در متن اختصاص داده شده است؛ *زمان و روایت در رمان شب هول* از حسین بیات و *عسگر عسگری* که به کارکردهای زمان و ارتباط آن با رمان نو پرداخته شده است؛ *تحلیل عنصر زمان در حکایتی از مثنوی محیط اعظم بیدل دهلوی* از محمد سعید میرزایی و *مریم صالحی‌نیا* و *پایان‌نامه‌ها و رساله‌هایی* مانند: *پژوهشی در تاریخ بیهقی بر بنیاد دانش روایت‌شناسی* از محمد راغب که موضوع اصلی رساله، بررسی عنصر زمان در تاریخ بیهقی است و... اشاره کرد. در این میان با توجه به جستجوی نگارندگان، آنچه که ارتباط مستقیم با پژوهش حاضر داشته باشد و زمان را در خسرو و شیرین نظامی بررسی کرده باشد، یافت نشد. نکته‌ای که در مورد پژوهش حاضر و وجه تمایز آن با پژوهش‌های انجام گرفته می‌توان ذکر کرد آن است که در این پژوهش، تحلیل‌ها بر پایه بسامد گذشته‌نگرها و آینده‌نگرها انجام شده است و برای فهم دامنه و گستره آن‌ها، نموداری که نشان‌دهنده وضعیت تقریبی آن‌ها باشد، ترسیم شده است. نکته دیگر نیز، توجه به دلایل و اهداف گذشته‌نگری‌ها و آینده‌نگری‌هاست که جز در پژوهش بامشکی و راغب، تقریباً در دیگر پژوهش‌ها توجهی بدان‌ها نشده است و امروزه پژوهش‌های زمانی، پژوهش‌هایی قالب‌بندی شده هستند بدون رسیدن به بوطیقای به‌کارگیری زمان در اثر مورد بررسی.

## ۳. بیان مسأله

### ۱.۳ نظم (order) و ترتیب (توالی)

نخستین موضوع مورد توجه ژنت در روایت «شیوه‌ ارائه ترتیب زمانی رخدادها و کنش‌های مثلاً یک رمان (طرح اولیه «fibula» در نزد فرمالیست‌ها) در یک داستان عینی (طرح روایی «syuzhet») است.» (برتس، ۱۳۸۳: ۸۷). ژنت، ناهماهنگی در ترتیب و نظم رویدادها در گفتمان روایی، با ترتیب و نظم همان رویدادها در داستان را، زمان‌پریشی (*Anachronies*) می‌نامد (Genette, 1980: 23). به دیگر سخن، وی «هرگونه انحراف در ترتیب ارائه وقایع در متن را نسبت به ترتیب آشکار وقوعشان در داستان نابهنگامی می‌داند.» (تولان، ۱۳۸۳: ۷۹).

### ۱.۱.۳ زمان‌پریشی گذشته‌نگر (*Analepsis*) (پس‌نما، پس‌نگاه)

گذشته‌نگری که از آن به پس‌نما، پس‌نگاه و پس‌نگری نیز تعبیر می‌کنند، نوعی نگاه به عقب است. یعنی رویداد داستانی که از لحاظ زمانی زودتر اتفاق افتاده، اما بعداً در متن نقل می‌شود. بر سه نوع است: پس‌نمای بیرونی، درونی و مختلط (مرکب). «پس‌نمای بیرونی به پس‌نمایی گفته می‌شود که به محدوده‌ای خارج از زمان اصلی پیرنگ، ارجاع می‌شود. پس‌نمای درونی به پس‌نمایی گفته می‌شود که به محدوده‌ای در زمان اصلی پیرنگ، ارجاع داده می‌شود» (بردول: ۱۳۸۵: ج ۱/۱۶۱). و «اگر دوره‌ای را که گذشته‌نگر در بر می‌گیرد پیش از نقطه آغاز اولین روایت آغاز شود اما در مرحله بعدتر داستان این دوره به اولین روایت متصل شود یا از آن جلوتر برود، آن‌گاه گذشته‌نگر «مرکب» خواهد بود.» (ریمون کنان، ۱۳۸۷: ۶۷).

### ۲.۱.۳ زمان‌پریشی آینده‌نگر (*Prolepsis*) (پیش‌نما، پیش‌نگاه)

در این نوع زمان‌پریشی، روایت نگرشی به جلو (*flash forward*) دارد و رویدادهایی از داستان که در آینده اتفاق می‌افتند، قبل از زمان وقوع خود نقل می‌شوند. «پیش‌نگاه از پس‌نگاه نادرتر است و اغلب در روایت اول شخص دیده می‌شود» (لوت، ۱۳۸۶: ۷۵) زیرا «در این روایات طبیعی به نظر می‌رسد که راوی هر از گاهی به وقایع بعدی که به زمان حال خود آن راوی نزدیک‌ترند جهشی داشته باشد.» (تولان، ۱۳۸۳: ۸۶).

این نوع زمان‌پریشی باعث کم شدن یا از بین رفتن میزان تعلیق می‌شود؛ به این علت که «تقدم شرایط و موقعیت‌های آینده را خیلی پیش از آنکه هر گونه ضرورت زمانی، گفتن آن را ایجاب کند، برای خواننده آشکار می‌نماید.» (همان: ۸۵). زمان‌پریشی آینده‌نگر نیز مثل

گذشته‌نگر، می‌تواند بسته به روابط زمانی آن نسبت به نقطه پایانی روایت اصلی، درونی، بیرونی و مرکب باشد.

در پایان، نکته‌ای که در مورد گذشته‌نگرها و آینده‌نگرها، قابل ذکر است بحث انطباق و بررسی آن‌ها در متون ادبی است. امروزه پژوهش‌هایی که در این حیطه انجام می‌شوند به نشان دادن گذشته‌نگرها و آینده‌نگرها در متن مورد پژوهش و در نهایت ذکر یک یا دو مثال بسنده می‌کنند. این در حالی است که تقریباً در مورد تمام متون می‌توان این کار را انجام داد و به نتیجه‌ای واحد نیز رسید. آنچه که مهم است معنادار شدن اثر ادبی در ارتباط با نظریه است. به نظر می‌رسد یکی از راه حل‌ها، بسامدی کردن موارد مورد بررسی و تحلیل بر پایه آن بسامدها است. برای نمونه، در این مقاله، بسامد بیشتر گذشته‌نگرها در ارتباط با آینده‌نگرها، دلیل بر تعلیق در داستان است. همچنین، بسامد زیاد گذشته‌نگرهای مکرر نسبت به گذشته‌نگرهای مکمل، دلیل بر توجه نظامی به اطناب در داستان، تأکید بر کنش انجام پذیرفته، تعلیل وقایع داستان و شاید بتوان گفت هنرنمایی او در بیان چندباره یک موضوع است. نکته دیگر بحث اهداف و اغراض گذشته‌نگرها و آینده‌نگرهاست که بامشکی در پژوهش خود به خوبی به آن‌ها اشاره کرده و تقسیم‌بندی‌های جالب و مبسوطی نیز از آن‌ها به دست داده است. بدون ذکر این دو مورد، به نظر می‌رسد که تمام پژوهش‌ها شبیه هم و دارای نتایج یکسانی می‌شوند.

#### ۴. گذشته‌نگرهای خسرو و شیرین

در منظومه خسرو و شیرین ۲۱ مورد گذشته‌نگری دیده می‌شود.  
- آنجا که افرادی خیر بی‌رسمی و ظلم و ستم خسرو را برای پدرش (هرمز) می‌برند:

که: خسرو دوش بی‌رسمی نموده است	ز شاهنشه نمی‌ترسد، چه سود است؟...
سمندش کشتزار سبز را خورد	غلامش غوره دهقان تبه کرد
شب از درویش بستد جای تنگش	به نامحرم رسید آواز چنگش

(همان: ۴۵)

این گذشته‌نگری همراه با بازگویی واقعه است.

– آنجا که خسرو نیای خود را به خواب می‌بیند و بشارت به دست آوردن بهتر از آنچه را که از دست داده است بدو می‌دهد، علاوه بر آینده‌نگری، گذشته‌نگری نیز به همراه دارد. از طرفی، مژده به دست آوردن پاره‌ای چیزها را در آینده می‌دهد و از طرف دیگر، با اشاره به گذشته و چیزهایی که از دست داده است، روایت پی گرفته می‌شود:

اگر شد چار مولای عزیزت	بشارت می‌دهم بر چار چیزت
یکی چون ترشی آن غوره خوردی	چو غوره زان ترشروی نکریدی...
دوم چون مرکبت را پی بریدند	وزان بر خاطرت گردی ندیدند...
سیم چون شه به دهقان داد تخت	وزان تندی نشد شوریده بخت...
چهارم چون صبوری کردی آغاز	در آن پرده که مطرب گشت بی ساز...

(همان: ۴۷ و ۴۸)

که هر چهار مورد، در گذشته‌ای نزدیک رخ داده‌اند:

ملک فرمود تا خنجر کشیدند	تکاور مرکبش را پی بریدند...
--------------------------	-----------------------------

(همان: ۴۵)

– آنجا که شاپور، خسرو را به شیرین معرفی می‌کند، می‌گوید:

خیالت را شبی در خواب دیده است	از آن شب عقل و هوش از وی رمیده است
نه می‌نوشت نه با کس جام گیرد	نه شب خسبد نه روز آرام گیرد
بجز شیرین نخواهد همنفس را	بدین تلخی مبادا عیش کس را
مرا قاصد بدین خدمت فرستاد	تو دانی نیک و بد کردم ترا یاد

(همان: ۷۰)

که اشاره به رخداد اولیه داستان است آنجا که خسرو، شاپور را برای به دست آوردن شیرین به ملک ارمن می‌فرستد:

ترا باید شدن چون بت پرستان به دست آوردن آن بت را به دستان...

(همان: ۵۵)

نکته‌ای که در این گذشته‌نگری حائز اهمیت است، نیرنگ شاپور است. اینکه شاپور می‌گوید: خسرو، تو را به خواب دیده است و نمی‌گوید که من تو را به او معرفی کرده‌ام، فریب است. و این خواب آن خواب دیدن خسرو، نیای خود را نیست چرا که کسی از آن خواب اطلاع ندارد و خسرو آن را برای کسی بازگو نکرده است. به هر روی، این سخنان شاپور، اشاره به گذشته‌ای مشخص دارد هر چند که پاره ابتدایی سخنان حقیقت ندارد (و این به دلیل خواسته خسرو است). به همین دلیل است که نظامی پایان سخنان شاپور را بدین گونه توصیف می‌کند:

چو از گفتن فراغت یافت شاپور دمش در مه گرفت و حيله در حور

(همان: ۷۲)

- آنجا که مهین بانو، به لشکریان خود اجازه نمی‌دهد تا به دنبال شیرین و شب‌دیز بگردند، دلیل این کار را نظامی، خوابی معرفی می‌کند که پیش از این مهین بانو دیده است:

چو در خواب این بلا را بود دیده که بودی بازی از دستش پریده

چو حسرت خورد از پرواز آن باز همان باز آمدی بر دست او باز

(همان: ۷۵)

این خواب، پیش از این در داستان بیان نشده است و جزو گذشته‌نگرهای برون داستانی است. این گذشته‌نگر، آینده‌نگر نیز هست چرا که به باز آمدن شیرین به ملک ارمن نیز اشاره دارد و به نوعی می‌توان گفت: بازنگری گذشته با پیش‌بینی آینده در هم می‌آمیزد. - آنجا که شیرین به مداین می‌رسد و خود را معرفی می‌کند نظامی در وصف او می‌گوید:

گل وصلش به باغ وعده بشکفت      فرو آسود و ایمن گشت و خوش خفت...  
(همان: ۸۹)

که وعده در این بیت، اشاره به وعده‌های شاپور دارد و شیرین به خاطر همان وعده‌ها  
به سوی مداین حرکت کرد:

چو ره یابی به اقصای مداین      روان بینی خزاین بر خزاین  
ملک را هست مشکویی چو فرخار      در آن مشکو کنیزانند بسیار...  
در آن گلشن چو سرو آزاد می‌باش      چو شاخ میوه تر شاد می‌باش  
(همان: ۷۲)

- بعد از آنکه شیرین به مداین می‌رسد و ماجرای خسرو را می‌فهمد یاد چشمه‌سار و  
جوان نظاره‌گر می‌افتد و می‌فهمد که او خسرو بوده است:

حقیقت شد و را کان یکسواره      که می‌کرد اندرو چندان نظاره  
جهان‌آرای خسرو بود کز راه      نظر می‌کرد چون خورشید در ماه  
(همان: ۹۰)

- سخنان شاپور برای خسرو در ملک ارمن، همراه با بازگویی مآلوم است:

وز اوّل تا به آخر آنچه دانست      فرو خواند آنچه خواندن می‌توانست  
از آن پنهان شدن چون مرغ از انبوه      وزان پیدا شدن چون چشمه در کوه...  
(همان: ۱۰۰)

این گذشته‌نگری بیش از ۲۰ بیت را در بر می‌گیرد در حالی که تمام این وقایع که برای  
خسرو بازگو می‌شود، قبلاً رخ داده است و خواننده کاملاً در جریان داستان هست و نظامی



با این کار، جدا از نشان دادن هنرنمایی خود در بیان چند بارهٔ یک موضوع، داستان را نیز به درازا می‌کشد.

– بعد از سخنان شاپور، خسرو نیز یاد چشمه‌سار می‌افتد و مطمئن می‌شود کسی را که دیده، شیرین بوده است. این گذشته‌نگری تنها در دو بیت بیان شده است:

حدیث چشمه و سرشستن ماه      درستی داد قولش را بر شاه  
ملک نیز آنچه در ره دید یکسر      یکایک بازگفت از خیر و از شر  
(همان: ۱۰۶)

– بعد از آنکه شاپور از جانب خسرو و مهین بانو برای بازگرداندن شیرین به مداین می‌آید، شیرین را در جایی دلگیر می‌یابد و شیرین قضیه را برای او بازگو می‌کند که:

بدان مشکو که فرمودی رسیدم      در او مستی ملامت دیده دیدم  
به هم کرده کنیزی چند جمّاش      غلام وقت خود کی خواجه، خوش باش...  
(همان: ۱۰۶)

این گذشته‌نگری حدود ده بیت را به خود اختصاص داده است در حالی که تمام وقایع برای خواننده و مخاطب منظومه، به دلیل وقوع آنها، کاملاً آشکار و واضح است. – در بخش «افسانه گفتن شیرین» سخنان شیرین همراه با گذشته‌نگری است:

ز شرم اندر زمین می‌دید و می‌گفت      که دل بی عشق بود و یار بی جفت  
چو شاپور آمد اندر چاره کار      دلم را پاره کرد آن پاره کار  
(همان: ۱۳۶)

که اشاره به آمدن شاپور به ملک ارمن و کشیدن تمثال خسرو و عاشق کردن شیرین دارد.

- در بخش «افسانه گفتن خسرو»، سخنان خسرو همراه با گذشته‌نگری است. او به صورت استعاره به خوی و خصلت خود در گذشته اشاره می‌کند که قبل از آشنا شدنش با شیرین، همانند شیری سرکش بوده است:

سیه شیری بُد اندر مرغزاری	چو دور آمد به خسرو گفت: باری
رسن در گردن شیر ژیان کرد	گوزنی بر ره شیر آشیان کرد
به گردن بر نهاد از زلف زنجیر	من آن شیرم که شیرینم به نخجیر

(همان: ۱۳۷)

- آنجا که خسرو بر بهرام چوبین پیروز می‌شود و دوباره بر تخت می‌نشیند به یاد عیش و نوش و میگساری‌اش در باغ با شیرین می‌افتد و از آن با حسرت یاد می‌کند:

به بالین برنشسته بخت بیدار	شبی در باغ <u>بودم</u> خفته با یار
بدین سان بی دل و بی یار گشتم	چو بختم خفت و من بیدار گشتم
بهشت عاشقان را در گشادن؟...	کجا آن نو به نو مجلس نهادن؟

(همان: ۱۶۷)

این گذشته‌نگری، بیشتر از ۳۵ بیت را در بر گرفته است.  
- شیرین، بعد از جدایی خسرو و رفتن او به جانب روم، از کرده خود پشیمان می‌شود و با حسرت به گذشته نگاه می‌کند:

نکردی تا تویی زین زشت‌تر کار	گهی با بخت گفتی کای ستمکار
به دست آوردی و از دست دادی	مرادی را که دل بر وی نهادی
ز دست افشاندیش بی پای رنجی...	فرو شد ناگهان پایش به گنجی

(همان: ۱۷۲)

این گذشته‌نگری، بیشتر از ۵۰ بیت را به خود اختصاص داده است.

تقی پورنامداریان و هیوا حسن پور ۱۱

- آنجا که شیرین، خبر بر تخت نشستن خسرو را می شنود از ازدواج خسرو با مریم تنگدل می شود چرا که:

ملک را داده بود در روم سوگند      که با کس در نسازد مهر و پیوند  
(همان: ۱۸۲)

و این واقعه به شرط و شروط مریم با خسرو اشاره دارد آنجا که خسرو برای یاری گرفتن در جنگ با بهرام چوبین به قیصر روم پناه می برد:

دو شه را در زفاف خسروانه      فراوان شرطها شد در میانه  
(همان: ۱۶۰)

- در بخش «فرستادن خسرو، شاپور را برای طلب شیرین» خسرو می گوید که:

من از بهر صلاح دولت خویش      نیارم رغبتی کردن بدو بیش  
که ترسم مریم از بس ناشکیبی      چو عیسی بر کشد خود را صلیبی  
(همان: ۱۹۸)

که این ابیات به سوگند خوردن مریم پیش خسرو اشاره دارد که چندی پیش روی داده است:

پس آنکه بر زبان آورد سوگند      به هوش زیرک و جان خردمند  
به تاج قیصر و تخت شهنشاه      که گر شیرین بدین کشور کند راه  
به گردن بر نهم مشکین رسن را      بر آویزم ز جورث خویشتن را...  
(همان: ۱۹۷)

- آنجا که شاپور، پیام خسرو را برای شیرین می برد، می گوید:

از آن او را چنـسین آزر م دارد      که از پیمان قیصر شرم دارد  
(همان: ۱۹۸)

که این سخنان به پیمان ابتدایی خسرو در هنگام کمک گرفتن از قیصر روم اشاره دارد:

دو شه را در زفاف خسروانه      فراوان شرطها شد در میانه  
(همان: ۱۶۰)

– آنجا که شاپور، فرهاد را برای کندن جوی شیر به شیرین معرفی می‌کند، گذشته‌نگری وجود دارد. شاپور می‌گوید:

که ما هر دو به چین همزاد بودیم      دو شاگرد از یکی استاد بودیم  
چو هر مایه که بود از پیشه برداشت      قلم بر من فگند او تیشه برداشت  
(همان: ۲۱۷)

این گذشته‌نگری به مناسبت ورود فرهاد به داستان است و در حکم فضاسازی است برای معرفی شخصیت فرهاد. این گذشته‌نگری، جزو گذشته‌نگری‌های برون داستانی است.

– آگاهی خسرو از رفتن شیرین نزد فرهاد با گذشته‌نگری همراه است:

در آن ملت که شد فرهاد را دید      نه کوه آن قلعه پولا د را دید  
خبر دادند سالار جهان را      که چون فرهاد دید آن دلستان را...  
(همان: ۲۵۳ و ۲۵۴)

– آنجا که خسرو و شیرین برای آخرین بار با هم به گفتگو می‌پردازند شیرین خطاب به خسرو می‌گوید:

مکن پرده دری در مهد شاهان      ترا آن بس که کردی در سپاهان  
تو با شکر توانی کرد این شور      نه با شیرین که بر شکر کند زور  
(همان: ۳۰۸)

که این سخنان اشاره به ماجرای رفتن خسرو به سپاهان و به می نشستن با شکر دارد که پیش از این در داستان بدان اشاره شده است:

برون آمد شکر با جام جلاب      دهانی پر شکر، چشمی پر از خواب  
شکر نامی که شکر ریزد او بود      نباتی کز سپاهان خیزد او بود...  
(همان: ۲۸۰)

- آنجا که خسرو و شیرین برای آخرین بار با هم به گفتگو می پردازند شیرین خطاب به خسرو می گوید:

مرا آن روز شادی کرد بدرود      که شیرین را رها کردی به شهرو  
(همان: ۳۳۵)

که اشاره به رفتن خسرو از نزد شیرین به جانب روم دارد که پیش از این در داستان بدان اشاره شده است:

ملک را گرم کرد آن آتش تیز      چنانک از خشم شد بر پشت شبدیز  
به تندی گفت: من رفتم شبت خوش      گرم دریا به پیش آید گر آتش...  
(همان: ۱۵۷)

- در پایان داستان و به مناسبت ورود شیرویه به داستان، نظامی با گذشته نگری روایت را بی می گیرد:

شنیدم من که آن فرزند قتال در آن طفلی که بودش قرب نه سال  
چو شیرین را عروسی بود می‌گفت که: شیرین کاشکی بودی مرا جفت  
(همان: ۴۱۲)

این گذشته‌نگری در داستان پیش از این بیان نشده و جزو گذشته‌نگرهای برون داستانی است.

در ادامه برای فهم بهتر گذشته‌نگری، دامنه و گستره آن، گذشته‌نگرها را به صورت علائم اختصاری روی نمودار نشان می‌دهیم. برای هر گذشته‌نگر از علامت اختصاری an که مخفف analepsis به معنی گذشته‌نگر است، استفاده شده و به تناسب هر گذشته‌نگر، شماره‌ای برای متمایز شدن آن‌ها از یکدیگر و ارتباطشان با زمان ارجاع، قید شده است. زمان ارجاع نیز با حرف n مشخص شده است و به تناسب گذشته‌نگرها و شماره آن‌ها تعداد nها و شماره آن‌ها نیز تغییر می‌کند. برای نمونه، زمان ارجاع گذشته‌نگر an1 با n1 مشخص شده است و an2 با n2 و الی آخر.

#### گذشته‌نگرها

- An1: رساندن خبر بی‌رسمی خسرو پرویز به پدرش، هرمز.  
An2: خسرو، نیای خود را به خواب می‌بیند.  
An3: آنجا که شاپور، خسرو را به شیرین معرفی می‌کند.  
An4: مهین بانو به دلیل خوابی که دیده است، اجازه گشتن به دنبال شیرین را به لشکریانش نمی‌دهد.  
An5: شیرین، هنگام رسیدن به مداین، وعده‌های شاپور را به یاد می‌آورد.  
An6: شیرین در مداین، یاد جوان نظاره‌گر در چشمه‌سار می‌افتد.  
An7: بازگویی ماقع برای خسرو در ملک ارمن توسط شاپور.  
An8: خسرو در ملک ارمن، یاد چشمه‌سار می‌افتد.  
An9: بازگویی ماقع برای شاپور در مداین توسط شیرین.  
An10: در بخش «افسانه گفتن شیرین» سخنان شیرین همراه با گذشته‌نگری است.  
An11: در بخش «افسانه گفتن خسرو» سخنان خسرو همراه با گذشته‌نگری است.  
An12: خسرو، بعد از بر تخت نشستن دوباره، عیش و نوش در ملک ارمن را به یاد می‌آورد.

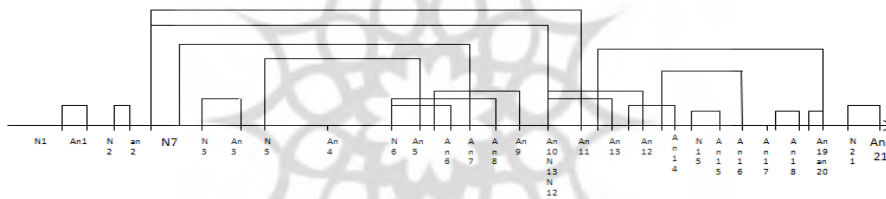
- An13: شیرین بعد از جدایی خسرو و رفتن او به جانب روم، از کرده خود پشیمان می شود و با حسرت گذشته را یاد می کند.
- An14: شیرین، شرط و شروط ازدواج خسرو با مریم را می شنود.
- An15: خسرو، شاپور را پنهانی به طلب شیرین می فرستد چرا که مریم پیش از این سوگند یاد کرده است.
- An16: پیام شاپور برای شیرین همراه با گذشته نگری است.
- An17: معرفی فرهاد به شیرین توسط شاپور همراه با گذشته نگری است.
- An18: آگاهی خسرو از رفتن شیرین نزد فرهاد، همراه با گذشته نگری است.
- An19: شیرین، جریان شکر اصفهانی را به رخ خسرو می کشد.
- An20: گفتگوی آخر شیرین و خسرو، همراه با گذشته نگری است.
- An21: در پایان داستان و به مناسبت ورود شیرویه به داستان، نظامی با گذشته نگری روایت را پی می گیرد.

### زمان ارجاع گذشته نگرها

- N1: بی رسمی و ظلم و ستم خسرو پرویز.
- N2: هرمز، خسرو را تنبیه می کند و اسباب برتری و بزرگی او را می گیرد.
- N3: سخن گفتن شاپور از شیرین برای خسرو.
- N4: مهین بانو، خواب می بیند (نامشخص).
- N5: شاپور به شیرین وعده می دهد.
- N6: خسرو، شیرین را در چشمه سار نظاره می کند.
- N7: رسیدن شاپور به ملک ارمن و ماجرای او با شیرین در راه عاشق کردن شیرین بر خسرو.
- N8: خسرو، شیرین را در چشمه سار نظاره می کند.
- N9: رسیدن شیرین به مداین و ماجرای برخورد کنیزان دربار خسرو با او.
- N10: قبل از ورود شاپور به ملک ارمن و عیش و نوش با شیرین و دختران.
- N11: قبل از آشنا کردن خسرو با شیرین توسط شاپور.
- N12: رسیدن خسرو به ملک ارمن و عیش و نوش با شیرین و دختران.

- N13: زمانی که خسرو در ملک ارمن نزد شیرین بود.  
 N14: رفتن خسرو به ملک روم برای کمک گرفتن در جنگ با بهرام چوبین.  
 N15: سوگند یاد کردن مریم نزد خسرو.  
 N16: وعده‌های خسرو به مریم، هنگامی که با او ازدواج می‌کند.  
 N17: شاگردی کردن شاپور و فرهاد با هم در چین (نامشخص).  
 N18: رفتن شیرین به کوه بیستون و دیدن هنرنمایی فرهاد.  
 N19: رفتن خسرو به سپاهان و به می نشستن با شکر اصفهانی.  
 N20: خسرو، شیرین را ترک می‌کند و به جانب روم می‌رود.  
 N21: ازدواج خسرو با شیرین.

### نمودار گذشته‌نگرها در منظومه خسرو و شیرین



با توجه به نمودار، مشخص می‌شود دامنه (reach) گذشته‌نگرها تا چه اندازه‌ای با هم اختلاف دارند. دامنه «دوره زمانی درون یک نابهنگامی است» (81: prince, 2003). گستره (extent) این گذشته‌نگرها هم با زمان ارجاعشان کاملاً مشخص می‌شود. گستره «فاصله زمانی میان یک نابهنگامی و لحظه حال داستان است» (همان: ۲۹).

با توجه به anها و nها، دامنه گذشته‌نگرها مشخص و روشن است. با این وجود، ذکر نکاتی در مورد زمان ارجاع گذشته‌نگرها ضرور به نظر می‌رسد:

- گستره برخی از گذشته‌نگرها، محدوده زمانی تقریباً مشخصی را در بر می‌گیرد. بنابراین، نقطه شروع و ارجاع آن‌ها روی نمودار تقریبی است. برای نمونه، an11 (افسانه گفتن خسرو) را می‌توان مثال آورد که در آن خسرو به گذشته خود (قبل از آشنایی با شیرین) اشاره می‌کند. این گذشته‌نگر، زمان دقیق و مشخصی ندارد و محدوده زمانی تقریباً گسترده‌ای از زندگی خسرو را (از زمان بچگی تا شنیدن اوصاف شیرین) در بر می‌گیرد.



همین طور است an9 که زمان ارجاع آن، از وارد شدن شاپور به ملک ارمن تا عاشق کردن شیرین بر خسرو را در بر می گیرد.

گذشته‌نگرهای an4، an10، an17 و an21 گذشته‌نگرهای برون داستانی هستند چرا که زمان ارجاع آن‌ها در منظومه ذکر نشده است و خواننده با توجه به اطلاعاتی که راوی در اختیارش می‌گذارد، می‌فهمد که رخدادهایی پیش از رخداد مورد نظر به وقوع پیوسته است. این رخدادها، چون پیش از این در داستان رخ نداده‌اند و خواننده از آن‌ها اطلاعی ندارد اصولاً همراه با توضیحی هر چند اندک بیان می‌شوند.

بسامد کم گذشته‌نگرهای برون داستانی و توجه نظامی به گذشته‌نگرهای درون داستانی، یکی از دلایل اطناب و طولانی شدن منظومه خسرو و شیرین است. به دیگر سخن، نظامی در بازگویی وقایعی که اتفاق افتاده‌اند و پیش از این نیز مفصل بدان پرداخته شده است، ابایی ندارد.

گذشته‌نگرهای an10 و an11 نسبت به سایر گذشته‌نگرها، گستره بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند. دلیل این امر را شاید بتوان حس نوستالژیک گذشته عنوان کرد. دو شخصیت اصلی داستان در این بخش، به گذشته خود اشاره دارند و از آنجا که این رجوع به گذشته، بار عاطفی و نوستالژیکی دارد طبیعی است که به دوران دوری در گذشته اشاره داشته باشد.

#### ۳.۴ انواع گذشته‌نگری و اهداف آن‌ها

بامشکی در کتاب «روایت‌شناسی داستان‌های مثنوی» گذشته‌نگرها را به صورت کلی به دو شاخه تقسیم می‌کند: گذشته‌نگری مکرر و گذشته‌نگری مکمل؛ و در ادامه در مورد هر یک می‌نویسد که «نقش گذشته‌نگری مکمل یا بازگشت‌ها [ی برون داستانی]، پُر کردن شکاف‌های پیشین متن روایی است که در نتیجه حذف‌ها حاصل می‌شود» (بامشکی، ۱۳۹۱: ۳۳۴) و گذشته‌نگر مکرر نیز «عبارت است از گفتن دوباره و مجدد رویدادهای گذشته که تا کنون ذکر شده است» (همان: ۳۴۲). هر یک از گذشته‌نگرهای مذکور نیز، اهدافی را دنبال می‌کنند. در خسرو و شیرین نظامی، ۱۸ مورد از گذشته‌نگری‌ها مکرر و تنها ۳ مورد مکمل هستند. به عبارت دیگر، ۱۸ مورد از گذشته‌نگری‌ها، درون داستانی و ۳ مورد برون داستانی هستند. گذشته‌نگرهای مکرر به ترتیب عبارتند از: ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۰ و گذشته‌نگرهای مکمل عبارتند از: ۴، ۱۷ و ۲۱.

#### ۴.۴ اهداف گذشته‌نگرها

با توجه به سیر رخدادها و همچنین داده‌های متنی، می‌توان اهدافی را برای گذشته‌نگری‌های مکرر قائل شد. از آنجا که گذشته‌نگرهای مکرر، به بازگویی و یادآوری رخداد یا واقعه می‌پردازند. بنابراین، تأکید لازم و ملازم اهداف آنهاست. برخی از گذشته‌نگرهای مکرر با هدف تأکید بر انجام «کنش انجام پذیرفته» در داستان گنجانده شده‌اند. برای نمونه گذشته‌نگری شماره ۱ «اطلاع دادن ظلم و ستم خسرو به هرمز» بیشتر برای برجسته کردن ظلم و ستم خسرو (و نیز تأکید بر عدالت محور بودن حاکم و حکومت وقت) در داستان گنجانده شده است. پس آنچه بر آن تأکید شده، کنش خسرو است. همچنین است گذشته‌نگر شماره ۷ «بازگویی مآل و وقوع برای خسرو توسط شاپور» که شاپور رخدادها را به دلیل تأکید بر کنش‌های انجام پذیرفته بازگو می‌کند. به همین دلیل آنچه در این دسته از گذشته‌نگری‌های مکرر برجسته می‌شود، تأکید بر کنش است. گروهی دیگر از گذشته‌نگرهای مکرر با هدف تعلیل کنش به کار رفته‌اند. به بیان دیگر، شخصیتی کنشی را انجام داده است و موقعیتی که شخصیت در آن قرار دارد با توجه به گذشته‌نگری ریشه‌یابی و تعلیل می‌شود. برای نمونه گذشته‌نگری شماره ۹ «بازگویی واقعه توسط شیرین برای شاپور، آنجا که شاپور مأمور بازگرداندن شیرین می‌شود» موقعیت شیرین که جایی بد آب و هواست با توجه به گذشته‌نگری تعلیل و توجیه می‌شود و اینکه حسادت کنیزان و درباریان علت این امر بوده است. همچنین است گذشته‌نگر شماره ۱۵ و ۱۶ که دلیل و علت را باید در گذشته‌نگری‌ها جستجو کرد. برخی دیگر از گذشته‌نگری‌های مکرر نیز به دلیل حسرت بر گذشته است برای نمونه گذشته‌نگری شماره ۱۲ «بر تخت نشستن خسرو بعد از پیروزی بر بهرام چوبین و یادآوری عیش و نوش او با شیرین در ارمن» که نگاه خسرو به گذشته، نگاهی حسرت آلود است و بر گذشته حسرت و دریغ می‌خورد یا آنجا که شیرین بعد از جدایی از خسرو به یاد گذشته می‌افتد «شماره ۱۳» تنها حسرت بر گذشته است که عامل به وجود آمدن گذشته‌نگری شده است. گروهی از گذشته‌نگری‌های مکرر نیز رابطه دال و مدلولی با هم دارند یعنی شخصیت بر اساس مدلول و نشانه‌ها، به دال که در گذشته بوده و شخصیت نیز شاهد آن بوده است، می‌رسد. گذشته‌نگرهای شماره ۶ و ۸ را می‌توان در این دسته جای داد. برای نمونه در گذشته‌نگری شماره ۶، شیرین بعد از فهم ماجرای خسرو و فرار او به جانب ارمن است که به یاد چشمه‌سار و دیدن خسرو می‌افتد همچنین، در

گذشته‌نگر شماره ۸ سخنان شاپور برای خسرو است که نشانه‌ای می‌شوند تا خسرو یاد چشمه‌سار و فهم این حقیقت که او نظاره‌گر شیرین بوده است، بیفتد. شاید بتوان اساس این گذشته‌نگری‌ها را تداعی دانست چون شخصیت‌ها بر اساس نشانه‌هایی که می‌بینند یا می‌شنوند به یاد گذشته می‌افتند. در گذشته‌نگری شماره ۳ نیز، از آنجا که بخشی از سخنان شاپور، به نوعی فریب و اغوای شیرین است می‌توان فریب و اغوا را هدف اصلی آن دانست. در گذشته‌نگرهای مکمل نیز، دو هدف عمده را می‌توان عامل اصلی به وجود آمدن آن‌ها دانست. تعلیل کنش و شخصیت‌پردازی. در گذشته‌نگری شماره ۴ «آنجا که مهین بانو خواب خود را به یاد می‌آورد» اجازه ندادن به لشکریانش که به دنبال شیرین بروند، دلیل اصلی این گذشته‌نگری می‌تواند باشد. به عبارت دیگر، این گذشته‌نگر برون داستانی، تعلیل و توجیهی است برای این کنش مهین بانو. در گذشته‌نگری‌های شماره ۱۷ و ۲۱ نیز، هدف اصلی، شخصیت‌پردازی بوده است. یکی برای معرفی شخصیت فرهاد که پیش از این در مورد او حرفی زده نشده بود و دیگری برای معرفی کردن و شناساندن شخصیت شیرویه.

## ۵. آینده‌نگری

در شش مورد آینده‌نگری در منظومه خسرو و شیرین دیده می‌شود:  
- آنجا که خسرو، نیای خود را در خواب می‌بیند و به او بشارت به دست آوردن بهتر از آنچه را از دست داده است، می‌دهد:

نیای خویشتن را دید در خواب      که گفت: ای تازه خورشید جهانتاب  
اگر شد چار مولای عزیزت      بشارت می‌دهم بر چار چیزت  
یکی چون ترشی آن غوره خوردی      چو غوره زان ترشروی نکردی...  
(همان: ۴۷ و ۴۸)

این آینده‌نگری‌ها، محقق‌الوقوع هستند و هر یک در طول داستان و با فاصله از هم محقق می‌شوند.

- آنجا که شیرین با شب‌دیز از ملک ارمن به سوی مداین می‌رود، مهین بانو به لشکریان خود اجازه نمی‌دهد که به دنبال شیرین و شب‌دیز بگردند چرا که:

چو در خواب این بلا را بود دیده      که بودی بازی از دستش پریده  
چو حسرت خورد از پرواز آن باز      همان باز آمدی بر دست او باز  
(همان: ۷۵)

این پارهٔ روایت در عین گذشته‌نگری، به بازگشتن شیرین به ملک ارمن نیز در آینده اشاره دارد و این آینده‌نگری محقق‌الوقوع و روایت‌آمیز (درون داستانی) است. - آنجا که خسرو و شیرین در چشمه‌سار از هم جدا می‌شوند نظامی با براعت استهلالی، پایان داستان را نشان می‌دهد:

فلک چون کارسازی‌ها نماید      نخست از پرده بازی‌ها نماید  
به دهقانی چو گنجی داد خواهد      نخست از رنج بردش یاد خواهد  
اگر خار و خشک در ره نماند      گل و شمشاد را قیمت که داند؟  
بباید داغ دوری روزکی چند      پس از دوری خوش آید مهر و پیوند  
(همان: ۸۸)

که اشاره به عاقبت و سرانجام داستان، یعنی وصال خسرو و شیرین دارد. - در بخش «جنگ خسرو با بهرام و گریختن بهرام» نظامی در وصف بهرام چوبین دو بیت می‌آورد:

چو آگه گشت بهرام جهانگیر      ز شیرین و جهانگیری چه سودش؟  
ولی چون بخت روباهی نمودش      چو شیر آید به نخجیر  
(همان: ۱۶۱)

که بیت واپسین آن به سرانجام بهرام که شکست است، اشاره دارد. این پیش‌نگاه به نوعی خیلی فشرده بیان شده است «پیش‌نگاه ممکن است آنقدر متراکم باشد که به سختی بتوانیم بگوییم پیش‌نگاه روایت است. ممکن است یک یا چند کلمه که بعداً معنایی ویژه

خواهند یافت، کیفیتی پیش‌نگاهانه پیدا کنند» (لوته، ۱۳۸۶: ۷۵). در این بیت نیز ترکیب کنایی: روباهی نمودن بخت و همچنین علامت سؤال پایان بیت که معنایی حسرت‌آلود را بیان می‌دارد، کیفیتی را ارائه می‌دهند که در آینده دامن شخصیت مورد بحث را می‌گیرند و تقریباً سربسته و فشرده به بیان آن نیز می‌پردازند و به نوعی غیرمستقیم‌اند.

ملک در جنبش آمد بر سر پیل      سوی بهرام شد جوشنده چون نیل  
برو زد پیلپای خویشتن را      به پای پیل برد آن پیلتن را  
(همان: ۱۶۳)

– آنجا که فرهاد وارد داستان می‌شود و همت بر کندن جوی شیر می‌گمارد، نظامی دو بیت می‌آورد در مورد تلاش و کوشش انسان، و اینکه آدمی همت بر هر چیزی مصروف کند به چاره کار نایل می‌شود بجز مرگ که به قول فردوسی:

همه کارهای جهان را در است      بجز مرگ کاو را در دیگر است  
(فردوسی، ۱۳۸۱: ص ۷۴۶ ب ۱۳۳۴)

ابیاتی که نظامی می‌آورد به قرار زیر است:

بنا چندان تواند بود دشوار      که بنا را نیامد دست بر کار  
اگر صد کوه باید کند پولاد      زبون باشد به دست آدمیزاد  
چه چاره کان بنی آدم نداند؟      بجز مردن، کزان بیچاره ماند  
(همان: ۲۲۱)

اشاره به مرگ در این ابیات، در حکم براعت استهلال و فضا سازی است برای شخصیت فرهاد که عاقبت او نیز مرگ است.

– آنجا که خبر مرگ فرهاد را برای خسرو می‌آورند، خسرو از کرده خود پشیمان می‌شود. نظامی با پیشواز زمانی، فرجام ناگوار خسرو را، حاصل ظلم و ستمی می‌داند که در حق فرهاد روا داشت:

کسی کاو با کسی بد ساز گردد      بدو روزی همان بد باز گردد  
در این غم روز و شب اندیشه می‌کرد      وزین اندیشه هم روزی قفا خورد  
(همان: ۲۶۳)

در ادامه برای فهم بهتر آینده‌نگری و دامنه و گستره آن، آینده‌نگرها را به صورت علائم اختصاری روی نمودار نشان می‌دهیم. برای هر آینده‌نگر از علامت اختصاری pr که مخفف prolepsis به معنی آینده‌نگر است، استفاده شده و به تناسب هر آینده‌نگر، شماره‌ای برای متمایز شدن آینده‌نگرها از یکدیگر و ارتباط آن‌ها با زمان ارجاع، قید شده است. زمان ارجاع نیز به مانند زمان ارجاع گذشته‌نگرها با n مشخص شده است و به تناسب آینده‌نگرها و شماره آن‌ها تعداد nها و شماره آن‌ها نیز تغییر می‌کند. برای نمونه، زمان ارجاع آینده‌نگر pr1 با n1 مشخص شده است و pr2 با n2 و الی آخر.

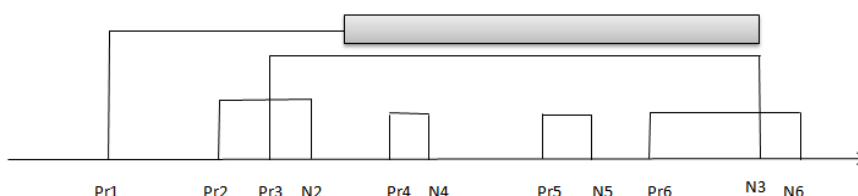
#### آینده‌نگرها

- Pr1: خسرو، نیای خود را به خواب می‌بیند.  
Pr2: مهین‌بانو به دلیل خوابی که دیده است اجازه گشتن به دنبال شیرین را به لشکریانش نمی‌دهد.  
Pr3: جدا شدن شیرین و خسرو از هم در چشمه‌سار و سرنوشت آنان.  
Pr4: جنگ خسرو با بهرام چوبین و سرنوشت بهرام چوبین.  
Pr5: وارد شدن فرهاد به داستان و همت بستن او به کندن جوی و سرنوشت او.  
Pr6: آنجا که خبر مرگ فرهاد را برای خسرو می‌آورند و سرنوشت خسرو.

#### زمان ارجاع آینده‌نگرها

- N1: از زمان به دست آوردن شب‌دیز تا زمان ازدواجش با شیرین را در بر می‌گیرد.  
N2: بازگشت شیرین به ارمن.  
N3: وصال خسرو و شیرین.  
N4: مرگ بهرام چوبین.  
N5: مرگ فرهاد.  
N6: قتل خسرو به دست پسرش، شیرویه.

### نمودار آینده‌نگرها در منظومه خسرو و شیرین



نکاتی چند در مورد دامنه (*reach*) و گستره (*extent*) آینده‌نگرها:

- Pr1، آینده‌نگری است که خود به چند قسمت تقسیم می‌شود به همین دلیل زمان ارجاع آن نیز محدوده زمانی تقریباً زیادی را در بر می‌گیرد. این آینده‌نگر که از چهار جزء تشکیل شده است، از زمان به دست آوردن شب‌دیز تا وصال با شیرین را در بر می‌گیرد.

- آینده‌نگرهای Pr1 و Pr3 نسبت به دیگر آینده‌نگرها، گستره بیشتری را در بر گرفته‌اند و همان‌طور که اشاره شد چون Pr1 خود به چند قسمت تشکیل می‌شود طبیعی است گستره زمانی بیشتری را شامل شود. اما چون Pr3 حول بن‌مایه اصلی داستان (رسیدن شیرین و خسرو به هم) شکل گرفته و طبیعی است که تحقق این امر یعنی به پایان رسیدن داستان، بنابراین، گستره زمانی بیشتری را در بر گرفته است.

- تمام آینده‌نگرهای این منظومه، جزو آینده‌نگرهای درون داستانی هستند. این امر از دو جنبه حائز اهمیت است یکی توجه نظامی به اطباب سخن و همچنین هنرنمایی خود در بیان چندباره موضوع، و دیگری منطقی، قابل فهم بودن، پذیرفتن رخدادهای داستان و همچنین دوری از روایتی شبیه روایتی پست مدرنیستی است. توضیح بیشتر آن که، آینده‌نگری خود بر وقوع امری در آینده اشاره دارد اگر این آینده‌نگری بعدها در روایت وارد نشود و آینده‌نگرها نیز (مانند آینده‌نگرهای این داستان) از بن‌مایه‌های اصلی داستان به شمار آیند، وقایع داستان تا حدودی غیرقابل قبول و مبهم می‌نمایند و همین امر، نظام روایت داستان را بر هم می‌زند. از طرف دیگر، از بین رفتن تعلیق داستان که یکی از خصوصیات و ویژگی‌های آینده‌نگری است در داستان محقق نمی‌شود.

- با توجه به نمودار، می‌توان اذعان کرد که Pr1 بزرگترین آینده‌نگری این منظومه است که در اصل روایت، بر پایه آن بنا شده است و همین آینده‌نگری است که شخصیت اصلی داستان را به حرکت و رفتن به سوی نیاز (نیازی مبهم که در طول روایت کم‌کم روشن

می‌شود) بر می‌انگیزاند. آینده‌نگری pr2 نیز از آنجا که به سرنوشت شخصیت‌های اصلی داستان مرتبط است بعد از pr1 گسترده‌ترین آینده‌نگری منظومه است. دیگر آینده‌نگری‌ها دامنه زمانی کوتاهی را نسبت به آینده‌نگری pr1 و pr2 در بر می‌گیرند و نقش چندانی در تعلیق روایت ندارند.

### ۱.۵ انواع آینده‌نگری و اهداف آن‌ها

تمام آینده‌نگرهای خسرو و شیرین از نوع مکرر است. از آنجا که آینده‌نگری به نوعی زودتر بیان کردن کنش، رفتار، رخداد و... است بنابراین، جهشی داستانی است با هدف آگاهی و اطلاع‌رسانی. در منظومه خسرو و شیرین نیز آینده‌نگری‌ها اهدافی را دنبال می‌کنند. تمام آینده‌نگرها به نوعی براعت استهلال است. آینده‌نگری شماره ۱ «خواب دیدن خسرو نیای خود را» براعت استهلالی است با هدف بشارت؛ آینده‌نگری شماره ۲ «خواب دیدن مهین بانو...» براعت استهلالی است با هدف تعلیل کنش. دیگر آینده‌نگرها نیز، براعت استهلالی هستند با هدف بیان ایدئولوژی و اندیشه. این آینده‌نگری‌ها اصولاً قبل از سرنوشت شخصیتی بیان می‌شوند و هدف راوی، بیان اندیشه‌ها و جهان‌بینی خود برای روایت‌شنو است. برای نمونه آنجا که فرهاد وارد داستان می‌شود و همت بر کندن جوی شیر می‌گمارد، راوی فرصت را غنیمت می‌شمارد و در مورد تلاش و کوشش آدمی ایباتی را ذکر می‌کند. در این ایبات، تمام کوشش و تلاش انسان مفید فایده و دارای نتیجه ذکر شده است بجز کوشش در مقابله با مرگ؛ که چاره‌اندیشی و دوراندیشی انسان در برابر آن ناتوان است و این پُلی است به سرنوشت ناگوار فرهاد. همین گونه است سخنان نظامی در مورد خسرو، هنگامی که خبر مرگ فرهاد را برای او می‌آورند مبنی بر اینکه سرانجام هر ظلم و ستمی، عاقبت به خود شخص باز می‌گردد و اشاره‌ای است به سرنوشت ناگوار خسرو و مرگ او به دست شیرویه.

### ۶. نتیجه‌گیری

با توجه به داده‌های این پژوهش، آشکار شد که نظامی در روایت داستان خود به شیوه‌های مختلف سعی کرده است نظام خطی روایت را در هم شکنند. زمان‌پریشی در این منظومه، بیشتر به شیوه گذشته‌نگر (۲۱ مورد) است نه آینده‌نگر (۶ مورد). در تقسیم‌بندی گذشته‌نگرها به مکرر و مکمل نیز، بسامد با گذشته‌نگرهای مکرر است (نسبت ۱۸ به ۳).



تمام آینده‌نگرهای این منظومه نیز از نوع مکرر هستند. دقت در گذشته‌نگرها و آینده‌نگرها که بیشتر از نوع مکرر هستند ما را به این نکته رهنمون می‌شود که نظامی علاوه بر نشان دادن هنر خود در بیان دوباره یک موضوع، بیشتر سعی کرده است تا بدین شیوه‌ها، روایتی خلق کند که اطناپ شاخصه اصلی آن باشد. گذشته‌نگرها و آینده‌نگرها در این منظومه، خالی از اغراض و اهداف نیستند. هر یک بنا بر غرضی به وجود آمده‌اند و هدفی را دنبال می‌کنند. می‌توان کارکرد بنیادین گذشته‌نگرها و آینده‌نگرها را پیوند روایت‌های فرعی و اصلی با هم برای رسیدن به گره‌گشایی اصلی داستان دانست. بسامد زیاد گذشته‌نگرها و آینده‌نگرها در این منظومه، باعث درگیر شدن ذهن خواننده با داستان و وقایع آن می‌شود. خطی نبودن روایت خسرو و شیرین، می‌تواند دلیلی بر وجود چنین شیوه‌های روایتی در دنیای روایت‌های سنتی ادبیات فارسی باشد.

## منابع

- اخوت، احمد (۱۳۷۱). *دستور زبان داستان*. اصفهان: فردا.
- بامشکی، سمیرا (۱۳۹۱). *روایت‌شناسی داستان‌های مثنوی*. تهران: هرمس.
- برتس، یوهانس ویلم (۱۳۸۳). *میانی نظریه ادبی*. ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی، تهران، ماهی.
- بردول، دیوید (۱۳۸۵). *روایت در فیلم داستانی (ج ۱)*. ترجمه سید علاءالدین طباطبایی، چاپ دوم، تهران: انتشارات بنیاد سینمایی فارابی.
- بیات، حسین و عسگر عسگری حسنکلو (۱۳۹۳). *زمان و روایت در رمان شب هول*. تهران: نشریه زبان و ادبیات فارسی شماره ۷۷. صص ۶۱-۳۹.
- تودورف، تزوتان (۱۳۸۲). *بوطیقای ساختارگرا*. ترجمه محمد نبوی. چاپ دوم، تهران: آگه.
- توگلی، حمیدرضا (۱۳۹۱). *از اشارت‌های دریا؛ بوطیقای روایت در مثنوی*. تهران: مروارید.
- تولان، مایکل جی (۱۳۸۳). *درآمدی نقادانه و زبان‌شناختی بر روایت*. ترجمه ابوالفضل حرّی، تهران: نیلوفر.
- حرّی، ابوالفضل (۱۳۸۷). *درآمدی بر رویکرد روایت‌شناختی به داستان‌روایی با نگاهی به رمان آینه‌های دردار هوشنگ گلشیری*. تبریز: پژوهش‌های زبان‌های خارجی شماره مسلسل ۲۰۸، صص ۷۸-۵۳.
- راغب، محمد (۱۳۸۸). *پژوهشی در تاریخ بیهقی بر بنیاد دانش روایت‌شناسی*. رساله دکتری دانشگاه تهران.
- ریمون-کنان، شلومیت (۱۳۸۷). *روایت داستانی: بوطیقای معاصر*. ترجمه ابوالفضل حرّی، تهران: نیلوفر.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۸). *شاهنامه*، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: قطره.
- لوت، یاکوب (۱۳۸۶). *مقدمه‌ای بر روایت در ادبیات و سینما*. ترجمه امید نیک فرجام، تهران: نشر مینوی خرد.

۲۶ بی‌نظمی زمانی در منظومه خسرو و شیرین نظامی

میرزایی، محمد سعید و فاطمه صالحی‌نیا (۱۳۹۴). *تحلیل روایی عنصر زمان در حکایتی از مثنوی محیط اعظم بیدل دهلوی*. شماره ۲۲. صص ۱۳۴-۱۰۷.  
نظامی گنجه‌ای (۱۳۸۹). *خسرو و شیرین*. با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی و به کوشش دکتر سعید حمیدیان، تهران: نشر قطره.

Prince, Gerard, (2003), *a dictionary of narratology*, revised edition, university of Nebraska press, Lincoln & London

Genette, Gerard. (1980). *Narrative Discourse*. Trans. Jane E. Lewin. Ithaca: Cornell University Press.

